



باز فکر کردن قوی عمل کردن جاره اندیشیدن هدف ماست

- ماهنامه علمی، فرهنگی و سیاسی
- سال سوم ● شماره نوزدهم ● اردیبهشت ۱۳۹۳

دست خط عاشقی

"تبسم خدا"

ایستاده است، غرقه در نور و رو به خاستگاه شعور. ایستاده است رو به کعبه، اما نه بسان حاضران غائب؛ بل آنگونه که زینده او باشد و راز نهان در وجود او. ایستاده است آرام و باوقار و بس استوار؛ او را چه اندیشه ای است در سر، یا چه عظمتی در پطن؟! ایستاده است و زمزمه ای دارد با خدای خویش و مناجاتی. چه نیکو پاسخی می یابد آن گاه که تبسم خدایش را در شکاف کعبه به تماشا می نشیند!!!

و کعبه چه با مهر، او و راز عالم وجود خفته در او را، در آغوش خویش می فشرد. چراغ فاطمه با دردانه گوهر بطنش، خفا از جهل پیشگان نامحرم رابری می گزیند؛ آن سان که کعبه، نه بر آنان در می گشاید و نه جای تبسم خدا را به آنان می نماید؟! بدین سنان فاطمه و رازش، رازی می شوند عظیم بر جان جاهلان و غافلان و نامردمان و نامحرمان دهر؛ تا شاید آتش سه روزه اشتیاق گشودن این راز، جلا بخش قلع وجودناپاکشان گردد؛ مگر نقش تبسم دیگر باره خدا را در قامت کعبه، بر آینه زنگار گرفته وجود خویش به شهادت بنشینند و عظمت فاطمه و مولودش را به نظاره بر عالم می گذرد سه روزی که پیشتر، بر آن نرفته بود و خدا می خندد و کعبه دیوار می گشاید.

فاطمه بنت اسدی آمد غرقه در نور و عرشیان در سرور. فاطمه بنت اسد می آید تا رسول خاتم را به راست قامت ترین یاور بشارتی نیکو آورد. فاطمه بنت اسد می آید تا پرورنده دلیرترین "اسد" بردامان باشد چندانکه خبیرا را به انتظار بنشیند. فاطمه بنت اسد می آید تا مهری به تأیید جهل کین پیشگان، برجبین آنان نهد و حیرت کونه اندیشگان را فروزی بخشد. فاطمه بنت اسد، می آید با مهری عالمتاب در آغوش خویش. و بدینسان خدای، به زیباترین روی از زیباروی مظلوم، نقاب برمی گیرد و به کمال، با نام "علی"، عظمت و شکوه او را، بر کائنات، به فخر برمی خیزد.

و چنین "علی" از قلب کعبه به پامی خیزد تا بر دوش "محمد"، جلال دروغین پتهای عالم را فروریزد و نام خدای را بر بلندای کعبه طنین انداز سازد. و "علی" می آید ازل کعبه، تا پیوندادیش با خدای کعبه را بر فرق نفاق و رزان بی ریشه فریاد سازد و تجلی صلا رستین را در وجود خویش بر نمازگزاران بی نماز به تصویر کشد آن زمان که دیگر بار در "خانه خدا"، از راز خفتش برقم می گشاید و غرقه در نور صلا درمی دهد: «فرت ورب الکعبه»

آری "علی" می آید تا والاترین نام رب خویش را تجلی بخشد: "العلی الاعلی"

سوسن کریم زاده، فارغ التحصیل ارشد مدیریت آموزشی

تصنیف پدر

اقتصاد مقاومتی چیست؟

- الگوی علمی متناسب با نیازهای کشور ما است.
- درونزا و متکی به امکانات کشور خودمان است.
- درونگرا (محصور و محدود کردن اقتصاد) نیست.
- برونگرا است و با اقتصادهای جهانی تعامل دارد.
- مردم بنیاد است؛ اقتصاد دولتی نیست و با اراده، سرمایه و حضور مردم تحقق پیدا میکند.
- دانش بنیان است، از پیشرفتهای علمی استفاده و به آن تکیه میکند.
- عدالت محور است؛ و تنها به شاخصهای اقتصاد سرمایه داری اکتفا نمیکند.
- همیشگی است و در شرایط تحریم و غیر تحریم بارور خواهد بود.

الزامات اقتصاد مقاومتی

- حمایت مسئولان از تولید ملی
- اهمیت دادن صاحبان سرمایه و نیروی کار به تولید ملی
- ترجیح فعالیت تولیدی بر فعالیتهای دیگر توسط صاحبان سرمایه
- ترویج تولید ملی در همه ی سطوح توسط مردم و مسئولان با مصرف تولیدات داخلی

برگرفته از بیانات مقام معظم رهبری



دوربین جای چشم
هفت فیلمساز زن نابینا فیلم مستند ساختند



فرهاد کوه کن
در سرزمین عجایب



منظره مکتوب
در این ستون مطالبی را که توسط یکی از دانشجویان محترم ارائه و توسط دانشجوی محترم دیگر نقد و بررسی می شود، به چاپ می رسانیم.



نکاتی درباره غذا خوردن



فکر کردن به خدا
فکر کردن به تمام زیبایی ها



مصاحبه با امام علی (ع)
به مناسبت ولادت ایشان



تلخ و شیرین دانشگاه تهران مرکز



رسیدیم به آخرین تلخ و شیرین سال جاری بعدش شما می روید و ما هم می رویم تا مهر ماه و شروع ترم جدید. اتفاقات ریز و درشت تا دلناتن بخواهد رخ داد از تبلیغات هر شب هرشب تلویزیون تا آن زیر نویس های خیلی شیک و محترمانه در باب انصاف از یارانه که اگر کمی پیش تر می رفتیم همگان می پنداشتند انصاف از یارانه از واجبات دینی شده است!

از همین جا یک خدا قوت جانانه به اصحاب رسانه در پی تلاش های بی وقفه آن ها که از قبل از عید شروع شد عرض می کنیم. خودمانیم حین دیدن پایتخت ۳ آدم میان سوزه فیلم و این زیرنویس های عریض و طویل انصاف از یارانه می ماند که بخندد یا گریه کند!!!

خلاصه این تلخ و شیرین را می نویسم صرفا برای تشکر، خصوصا از دو میلیون و چهارصد هزار نفری که انصاف دادند و انصاف آن ها موجب جهشی بزرگ در بهداشت و درمان شد و رایگان شدن زایمان طبیعی. وارد بحث آماری آن نمی شوم اما کشور از این نظر درگیر بحران شده چیزی که رهبری هم در روز جهانی ماما به طور واضح به آن اشاره کردند. حال آنکه این طرح تا چه حد به تغییر اوضاع کمک خواهد کرد گذشت زمان روشن می کند. ما امیداریم تدبیر و امید خودی نشان داده باشند ان شاء الله. اگر مشغول خواندن این مطلب هستید و جزء آن هفتاد و سه میلیون نفر ثبت نام کننده، باید بگویم توکل کنید بر خدا و پیشه کنید صبر را.

از حال و هوای یارانه بگیر نگیرها که بیرون بیاییم می رسمیم به نمایشگاه کتاب و حاشیه هایی که داشت و حضور بس جالب انگیز عده ای که حراست نمایشگاه را خبردار کرد. نمی دانم شاید این روزها خرید کتاب هم نیاز به حضور در اذهان مردمی دارد نمی دانم! راستی چند نفر از ما فقط برای دکور خانه کتاب می خریم و چند نفر برای مطالعه؟ این هم خودش جای سوال دارد.

در نمایشگاه امسال کتاب هایی همچون رود خوانی سروده جدید محمد مهدی سیار، عباس دست طلا نوشته محبوبه معراجی پور، رقع سروده جدید سید حمید رضا برقی، من زنده ام به قلم مصومه آباد و چندین کتاب دیگر از جمله آثاری بودند که با اقبال بیشتری مواجه شدند.

حال از لا به لای کتاب های نمایشگاه می رسمیم به گران شدن بنزین که خودش جای بحث مفصلی دارد اما ما به این پیشنهاد بسنده می کنیم. دانشجویان عزیز از این به بعد اگر دیر به سر کلاس هایتان می رسید دیگر فقط تصادف و ترافیک و... را بهانه نکنید. خیلی شیک می شود گفت: استاد جان نرخ بنزین گران شده، جیب ما هم که خالی تر، ماشینیمنان وسط راه خاموش کرد البته در ادامه برای دل سوزی بیشتر می توانید بگویید: استاد گرام از هفته بعد تاخیر نخواهم داشت ماشین را می فروشم و به زخم زندگی میزنم تا جای خالی یارانه را هم نیز کمتر احساس کنم و خیلی محترمانه

دانشجویان دلواپس

به اتمام درس و تشکیل یک خانواده می شود؟ قطعاً اینطور نیست دانشجوی امروز نیز دلواپسی هایش از جنس خاص خودش است. گاهی دلواپسی های او جنس سیاسی می گیرد چون می ندارد حق اظهار نظر در مورد اتفاقات مهم کشورش را دارد گاهی قلم برمی دارد تا صدایش را با کلمات به گوش مسئولین برساند. حرف دانشجوی نسل ما همین است از ابتدا در مورد اتفاقات زیادی سخن گفتیم حال چه به شوخی و چه جد، اما همه اتفاقاتی بود که از مقابل دیدگان همه ما گذشته بود نمی دانم چند نفر از شما دلواپس کدام یک از آن ها هستید؟ دانشجوی عزیز هر چه هستی بیشتر و اول از همه دلواپس خودت باش به توافقات ضعیف خودت با خودت فکر کن و بعد به توافقات ژنو برس دلواپس عفاف خود در جامعه باش بعد به ترویج آن در جامعه بپرداز. دانشجوی دلواپس نسل امروز همه حرف من این است از خودت شروع کن و منظر مسئولین و دیگران نباش. ای که دستت می رسد کاری بکن..

با وسایل نقلیه عمومی برای کسب علم در سر کلاس شما حاضر می شوم. و اما در این بین انتخاب آقای عبدالحسین هراتی به عنوان مسئول مرکز اسناد دانشگاه آزاد حاشیه های خاص خودش را به همراه داشت. البته بعد انصاف به چند روز نرسیده عزل شدند. این روزها همایش و راهپیمایی های متعددی به راه است و عده ای هم دلواپسند هر کس به نحوی دلواپسی خودش را ابراز می کند یکی به وضع عفاف و حجاب یکی به توافقات ژنو عده ای جلوی این وزارت خانه آن سفارت خانه. این وسط دانشجویان، دلواپس چه چیزی هستند؟ دلواپس شهریه هر ترم یا دلواپس پاسب شدن درس های سخت این ترم یا فکر خرجی دادن برای خانواده یا گرفتن مدرک و قاب کردن آن به روی طاقچه خانه؟ آیا دانشجوی دلواپس این هست که بعد از چهار سال درس خواندن با چه سطح علمی وارد جامعه می شود؟ آیا دلواپسی هایش تنها ختم

مدیره کانون وکلا شدند. آقای دکتر نجفی توانا به عنوان رییس هیات مدیره انتخاب شدند و آقایان دکتر جلیل مالکی (رییس دانشکده حقوق) و دکتر عیسی امینی (مدیر گروه) به عنوان اعضای کانون انتخاب گردیدند. نشریه بقیچه برای این بزرگواران آرزوی توفیق هرچه بیشتر دارد. جشن میلاد حضرت زهرا (س) و گرامیداشت هفته معلم همراه با نمایشگاه عکس و کتاب توسط دفتر فرهنگ اسلامی برگزار شد.

زینب امیدی پناه، ارتباطات

با حضور اساتید دانشکده های تهران مرکز و تقدیر از اساتید برتر سال توسط معاونت فرهنگی. اکران سه فیلم "یکی میخواد باهاش حرف بزنه" با موضوع اهداء عضو با حضور کارگردان فیلم آقای منوچهر هادی و نقد و بررسی استاد دکترامیر مظاهری "دریند" آسیب شناسی خانه مجردی همراه جشن روز پدر و "قصه پریا" اعتیاد به مواد مخدر توسط کانون فدک. مهندسی طراحی ذهن که توسط کانون فارغ التحصیلان دانشگاه آزاد و معاونت دانشجویی دفتر مشاوره و راهنمایی در پانزدهم

معضلات دانشگاه و لبخند مصلحتی

افتاد حالم از هر چی غذا و غذاخوردن بود به هم خورد. از کثیف کاری بچه ها که بگذریم کارکنان هم نظافت کردنشان چنگی به دل نمی زند.

حکایت رنگ و لعاب روی میزها مثل گل زدن های ماشین عروس های دهه ۴۰ بود. به نظرم این همه رنگ و لعاب روی میزها اگه روی دیوارهای سلف باشه لافاقل دلت انقدر اونجا نمی گیره آدم جرات میکنه یک دو تا عکس با هم کلاسی هاش بنوازه بگه اینجا سلف دانشگاهمونه نه که الان رنگ دیوارش شبیه دیوارای زندان آکاتراز شده.

اما از انصاف دور نباشیم به چیزایی تو سلف هست که آدم لذت می بره از اون و تنها چیزیه که توی دانشگاه آزاد مفتی از کار در میاد. اونم آب جوش سلف دانشگاهه. اگه با خودت چند تا تی بگ ببری هیچ خرجی نداره و می تونی به اندازه همه پول شهریه ات حتی به زور و فلاکت چای مفتی بخوری.

دانشگاه آزاد چیزای مفتی زیاد داره که بعدا براتون میگویم. یه توصیه ویژه دارم واسه اونایی که سیزده به در جا پیدا نمی کنن ما به جایی داریم که همیشه خالیه و اونم جلوی کولر

خبرنگار بقیچه پیچ

سلف دانشگاه و بقیچه نان

سلام به دوستان پر و پا قرص سلف دانشکده، امروز حال و هوای سلفی به سرم زده بود رفتم نشستم روی یکی از صندلی های اونجا و بقیچه ی نون و پنیر خودم رو وا کردم که یک هو به سرم زد از احوالات این مکان تاریخی، اجتماعی چند سطر بنویسم. راستش از شما چه پنهون موقع پایین اومدن از پله ها، دچار یک سرگیجه ای شدم که روی اولین صندلی نشستم، علتش رو فکر کنم همه شماها بدونید، بوی روغن سوخته بهوش کننده به مشامم خورد. حالا با این حال خرابی که داشتم و گیجی و به قول اهل عرفان حالت خلسه ای که بهم دست داد رفتم تو احوالات سلف که براش حکایتی بنویسم خواندنی. دیدم اینجا به جز تهویه، مشکل نور هم داره، فضا بسیار شاعرانه و رمانتیک شده بود یکی در میان مهتابی های سلف دچار سوختگی خفیف و بعضی ها تا صد در صد سوختگی داشتند. حالا بگذریم از همه این اوصاف نگاهم به میزهای سلف که

۳ روز از فصل رویش



فکر کردن به خدا فکر کردن به تمام زیباییها

در بحث اثبات وجود خدا به هر کتابی که می‌رسیم شروع به اثبات از طریق عقلی می‌کند. بحث دور و تسلسل را بیان می‌کند که "بالاخره این دور باید جایی گسسته شود". ولی وقتی به قرآن رجوع می‌کنیم برای اثبات وجود خدا بیان می‌کند که "از نشانه‌های من نزول باران از آسمان است". عقل از درک خدا عاجز نیست اما با عقل نباید به درک وجود خدا پرداخت، دلیلش هم حرف خود خداست که در قرآن آمده است.

خدا را باید با قلب و دل شناخت. خدایی که مهربان است و مهربانیش را باید شناخت. خدایی که در تنهایی شناخته می‌شود؛ وقتی تنها می‌شویم توجهمان به خودمان و به خدایمان است. لطف زیادی می‌کند وقتی که اجازه فکر کردن و توجه به خودش را به ما می‌دهد.

یکی از این فرصت‌های تنهایی همین اعتکاف است که امسال هم مثل هر سال عده‌ای استفاده کردند و عده‌ای اجازه نداشتند که استفاده کنند.

فکر کردن به خدا فکر کردن به تمام زیباییها است، این رو وقتی که بهش فکر می‌کنیم، حس می‌کنیم.

✍️ یاسر سلیمانی، دانشکده فنی مهندسی نیایش

آسمانها

اشکهای روضه و پیکر سالم

محمدرضا شفیعی در سال ۱۳۴۲ به دنیا آمد ۱۱ ساله بود که پدرش فوت کرد ۱۴ ساله بود که بنا تغییر تاریخ تولدش در شناسنامه به جبهه رفت از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۵ مدام در جبهه بود ۸ ماه بعد از آخرین خداحافظی با مادرش در اسارت به شهادت رسید با تن مجروح زیر شکنجه وحشیانه بعثیان در اردوگاه موصل بعد از ۱۰ روز اسارت با لب تشنه به دیدار مولایش حسین بن علی نایل شد او را در قبرستان الکخ ما بین شهر سامرا و کاظمین دفن کردند محمد رضا بعد از ۱۶ سال برگشت با پیکری سالم آری با پیکر سالم نورانی و معطر موهای سر و محاسنش اصلا تکان نخورده بود بعثتها برای از بین بردن پیکرش او را ۳ ماه زیر آفتاب داغ گذاشتند باز هم چهره او سالم ماند حتی به رسم وهابیت روی پیکر محمدرضا آهک ریختند اما بی فایده بود به گفته همزمانش او غسل جمعه زیارت عاشورا و نماز شبش ترک نمیداد همیشه با وضو بود و در مجلس روضه اشکپاشی را به بدنش میمالید. روحش شاد.

✍️ منبع سایت صبح تلخیص: مهسا کامیاب متین، روانشناسی

کاریکاتور نقچه



برای تو ای همه خوبها

همتم رهایی توست اندیشه ام آزادیت از قیود است و رسیدن به بندگی مطلق. ای که یادت ترم زیبایی باران رحمت روشنایی است. وجودت یادآور نغمه زیبایی است. هیچ میدانی جایگاهت کجاست. آنجا که امید می‌روید و زندگی لیخنند می‌زند آنجا همه چیز سرشار از شور و شوق الهی احسن الحال است. آنجا که واژه‌ها در نیستی‌ها گمند و زیباییها دیگر جلوه ندارند. آنجا که سبزی حیات در سرخی لانه گره خورده است. آنجا که همه عشق است و عاشق نظاره گر هدایتش به سوی او.

من معلم، معلمی با توان بی نهایت برای نثار عشق خود با نهایت اخلاص به تو، همه حرکاتم، سخنانم، افکارم متجلی در توست. چگونه ای؟ چگونه ره می‌سپاری؟

هر روز در محضر مقدس کلاسی که از صداقت وجود تو و آموزش به تو شکل می‌گیرد. قدم می‌گذارم با وضو، با طهارت، تا گفتارم تطهیر اندیشه تو باشد. از چگونه بودن در هستی، از رخ نمودن تائستی و تا یافتن هستی در عرصه فنا.

پس مرا همراه باش ای یاور آشنای همیشه در دل. چرا که در این گذرگاه حوا هم رفت به سوی نیستی تا تو جلوه تمام نمای هستی گردی و برای حریم حرمتت را پاس خواهم داشت و در بهای آن خواهم سوخت. با شوق تا ساختن تو

✍️ سوسن کوهی نژاد، معلم و دانشجوی کارشناسی ارشد تعلیم و تربیت

روزی برای دستبوسه استاید

با آمدنت، هیچ تخته سیاهی، دیگر سیاه نبود...

وقتی نور در دست می‌گرفتی و روشنایی دانش را منتشر میکردی.

خود را سوختی و ما را ساختی. از لوح کلاس تا لوح وجود.

روسپیدی مان را از تو داریم.

روزت مبارک؛ معلم عزیزم

ضمن عرض قدردانی فراوان از طرف دانشجویان به همه استاید بزرگوار در این مجال به ذکر نام استاید نمونه که از دانشکده‌های مختلف دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی انتخاب و در مراسم روز معلم در تالار شهید باکری مجتمع ولیعصر (عج) به عنوان نماینده استاید از این بزرگواران تقدیر به عمل آمد بسنده کرده و در ذیل به معرفی کوتاهی از ۲ تن از این استاید گرانقدر می‌پردازیم.

✍️ خانم دکتر شهروه تاج - خانم دکتر سوزان امامی پور - خانم سوسن فتحی مقدم - آقای دکتر مهرداد آزادی - آقای دکتر محمد هاشم صمدی اهری - خانم دکتر زینت نیک آیین - آقای دکتر محمدابراهیم پور زرنندی - آقای دکتر اکبر اشرفی - آقای دکتر جواد صالحی - خانم دکتر کنایون قدس راد - آقای دکتر محمد حسن رامشت - خانم دکتر نوشین عبدی - آقای دکتر حسین ترابیان - خانم دکتر فاطمه خدا کرمی - آقای دکتر شعیبانی صفری - آقای دکتر طه هاشمی - آقای احسان مازدرانی - آقای دکتر فرشاد تجاری.

آهنگر باشد، نقاش و نویسنده باشد، شعر را بلد باشد و عرض کنم که تاریخ را نیز باید بشناسد و روحی مقاوم داشته باشد تا یک مجسمه ساز بشود و بتواند تاریخ یک ملت را حفظ کند. این مجسمه ساز هست که با سفالینه هاش یا فلز هاش از ازمینه شش هزار سال یا هفت هزار سال پیش حفظ کرده و برای آیندگان گذاشته است. همیشه مجسمه سازها در راس تمام هنرمندان بوده اند و در نزدیکی سردمداران، چون همانطور که اشاره کردم باید مجموعه‌ای از علوم و فنون را در خود می‌داشتند.

✍️ استاد ناصر هوشمند
وزیری در همدان
به دنیا آمد. او در سال ۱۳۵۰ از رشته مجسمه سازی با مدرک کارشناسی فارغ التحصیل شده و از همان ابتدایه خلق آثار هنری مختلفی پرداخت و دو سال بعد به سمت کارشناس مجسمه سازی موزه تاریخ طبیعی برگزیده شد. وی از مجموعه داران متعهد ایران زمین است. در فاصله سالهای ۶۰ تا ۷۹ مدیریت بخش هنری موزه تاریخ طبیعی پردیسان بود و در سال ۱۳۷۳ به دریافت دکتری افتخاری و نشان درجه یک هنری از وزارت ارشاد نائل شد. از بارزترین کارهای وی می‌توان به تندیس‌های مختلف سنگی، مسی، چوبی، فایبرگلاس و نیز آثار تاکسیدرمی شده در پارک پردیسان با موضوع تنوع زیستی، پارک جمشیدیه و ارتفاعات کلکچال، پارک ساعی و پارک ملت اشاره کرد.

✍️ وقتی که در دهلیزها و راهروهای غار موزه قدم می‌زد احساس کردم شما از معدود هنرمندانی هستید که می‌خواهد به ماورای هنری خودش قدم بگذارد و سنت‌های عادی را در هم بشکند. البته ترکیب مواد، فرم‌ها و حتی چیدمان آثار نیز به نوعی این مسئله را گوشزد می‌کند.

من معتقدم یک اثر هنری از هر نوعی که باشد بتواند شخصی و فرهنگی بومی و ملی این سرزمین را بیان کند. هنرمند واقعی کسی است که تفکر را هدف اصلی قرار می‌دهد. او باید جست و جو گر باشد. محافظه کاری را کنار بگذارد و برای کشف جدید، دست به سنت شکنی بزند. هنر واقعی آنجاست که شما تکرار مکررات نکنید چرا نیما شعر سپید را ابداع کرد مگر نمی‌توانست مثل حافظ و سعدی شعر بگوید. من استاد کلاسیک هستم ولی بهتر از میکال آنژ یا استاد صدیقی که نمی‌توانم حرف بزنم. من آمدم و این هنر را در قالبی جدید تعریف کردم. وقتی که بشر به دنیای صنعت پا گذاشت و ماشین وارد زندگی‌ها شد به ضایعات رسید اینجا بود که این ضایعات وارد هنر شد. حالا اینجاست که باید پیام داد و بیننده را وادار کرد به تفکر اینکه چگونه می‌شود از این ضایعات استفاده کرد و یک چیز نمادین در جهت بهبود تفکر جامعه ساخت. اینجا بود که من بطری‌ها را از کنار جاده و خیابان جمع کردم و آن‌ها را تبدیل به ارزش کردم. آن درخت نوشابه وسط باغ را که می‌بینید ساخته شد و زیر آن نوشتیم "این درخت نوشابه را به همت انسان‌هایی که حاشیه خیابان را سطل آشغال می‌بینند ساختیم"

✍️ داخل غار موزه دیواری وجود دارد که روی آن نوشته شده (یادگاری پسر مشهدی علی) این دیوار نوشته حسابی فکرم را به خودش مشغول کرده، ماجرای این دیوار نوشته از چه قرار است؟ این اثر متأثر از اتفاقات اوایل انقلاب است. آن زمان مردم برای داعی کردن حضور شهدها دست

✍️ اگر قرار بود استاد ناصر هوشمند خود را به خون آغشته کرده و به دیوارهای شهر می‌زند. این ایده به ذهن رسید که دیواری بسازم و قسمت کوچکی از آن لحظات را به تصویر بکشم. بعد زیر آن نوشتیم یادگاری پسر مشهدی علی نام پدر من علی است و چون به زیارت مشهد مقدس مشرف شده بود این لقب را به او داده بودند. امیدوارم روزی در تهران پارکی به نام پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها ساخته شود.



سرکارخانم دکتر شهروه تاج: کارشناسی جغرافیا(انسانی) از دانشگاه شهید بهشتی کارشناسی ارشد و دکتری تخصصی جغرافیا و برنامه ریزی روستایی از دانشگاه تهران. مدیر گروه جغرافیا دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی از آذر ۱۳۸۷ - آذر ۱۳۹۱

عضو کمیته علمی (برنامه راهبردی بررسی ابعاد مختلف تغییر اقلیم، پژوهشکده خاک و آبخیز داری، جهاد کشاورزی از تاریخ تیر ۹۱) مسول برگزاری کارگاه و همایش‌های متعدد دارای ۱۰ مقاله فارسی چاپ شده در مجلات معتبر علمی پژوهشی و مقاله انگلیسی راهنمایی، مشاوره، داوری رسالات متعدد، داوری و ارزیابی دهها مقاله - داوری و ارزیابی ۱۰ طرح پژوهشی - داوری و ارزیابی کتاب - داوری و ارزیابی ۷ طرح تحقیقی و فعالیت‌های علمی پژوهشی فراوان دیگر. یک جمله از طرف یک دانشجوی استاد: ایشان استادی بسیار متواضع و صادق و درستکار هستند که عاشقانه تدریس می‌کنند و به واسطه آن از دریای علم و معرفتشان دانشجو را سیراب می‌کنند.



سرکار خانم دکتر سوزان امامی پور: کارشناسی روان شناسی از دانشگاه علامه طباطبایی، کارشناسی ارشد از دانشگاه تهران، دکتری (PhD) روان شناسی از دانشگاه آزاداسلامی (واحد علوم و تحقیقات) کتاب های چاپ شده:

۱- انگیزش و هیجان. فرانکن. رابرت ای (۱۹۸۸). ترجمه حسن شمس اسفندآباد، غلامرضا محمودی و سوزان امامی پور. تهران: نشر نی. (۱۳۸۴)

۲- سبکهای یادگیری و شناختی. نظریه‌ها و آزمونها. تالیف سوزان امامی پور و حسن شمس اسفندآباد. تهران: انتشارات سمت. ۱۳۸۶.

دارای ۲۰ مقاله فارسی چاپ شده در مجلات معتبر علمی و مقاله انگلیسی همکاری در ۱۰ طرح پژوهشی راهنمایی، مشاوره و داوری پایان نامه های متعدد از کارشناسی تا دکتری فعالیت مشاوره ای در مرکز مشاوره رهنما

یک جمله از طرف یک دانشجوی استاد: ایشان استادی محبوب، با حسن خلق و گشاده رو هستند و دروس سخت را با تدریس خوب و بیان شیوا آسان می‌نمایند.

✍️ سرویس خبر بچه



فرهار کوه کن در سر ز عین عجایب

در عصر هنرهای دیجیتالی که حالا برای خودشان نمادی از دنیای مدرنیته محسوب می‌شوند سخن گفتن از کوه و سنگ و چوب و شیشه کمی خنده دار است. اما در همین حوالی یا بهتر است بگویم در فاصله‌ای نه چندان دور از شمال تهران، خانه‌ای وجود دارد که شالوده آن با همین کلمات شکل گرفته و چند سالی است که به غار موزه وزیری شهرت یافته است. به راه می‌افتم و جاده لواسان را طی می‌کنم.

اگر "لويس کارول" در عصر ما می‌زیست حتما آلیس را به لواسان می‌برد و عجایب زندگی‌اش را در میان سنگتراشه‌های این مکان دیدنی قلم می‌زد. باخیال، خود را آلیس داستان سرزمین عجایب می‌پندارم که دارد سفری می‌کند به اعماق هنری با قدمت چندین هزار ساله اما با سبکی نو.

سفری ژرف که دید انسان را نسبت به دنیای مدرنیته واژگون می‌سازد. به ورودی باغ موزه می‌رسیم با استقبال استاد و دختر و همسر گرامی ایشان رو به رو می‌شوم گویی چندین سال است مرا می‌شناسند. ابتدا عکس‌هایم را می‌گیرم چون می‌دانم هوا به سرعت تاریک خواهد شد. بعد در اتاق استاد که پر از عکس‌ها و خاطرات قدیمی ایشان است دور یک میز می‌نشینیم و من کلام خود را آغاز می‌کنم...

✍️ خود را به خون آغشته کرده و به دیوارهای شهر می‌زند. این ایده به ذهن رسید که دیواری بسازم و قسمت کوچکی از آن لحظات را به تصویر بکشم. بعد زیر آن نوشتیم یادگاری پسر مشهدی علی نام پدر من علی است و چون به زیارت مشهد مقدس مشرف شده بود این لقب را به او داده بودند. امیدوارم روزی در تهران پارکی به نام پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها ساخته شود.

✍️ اگر قرار بود استاد ناصر هوشمند خود را به خون آغشته کرده و به دیوارهای شهر می‌زند. این ایده به ذهن رسید که دیواری بسازم و قسمت کوچکی از آن لحظات را به تصویر بکشم. بعد زیر آن نوشتیم یادگاری پسر مشهدی علی نام پدر من علی است و چون به زیارت مشهد مقدس مشرف شده بود این لقب را به او داده بودند. امیدوارم روزی در تهران پارکی به نام پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها ساخته شود.

✍️ گفتگو: زینب امیدی پناه، ارتباطات



مصاحبه با امام علی (ع) به مناسبت ولادت ایشان

کاهش یابد و دانش با نشر آن افزون شود». «دانش، فرمانگذار است و مال فرمانبردار.»

ای امیرالمومنین! در عصر ما، قرآن، مهجور مانده و مسلمانان بدون توجه به محتوا و پیام اصلی آنکه سعادت انسان را تضمین می کند تنها به ظواهر و حفظ آداب ظاهری آن بسنده می کنند؟

«بدانید که در قرآن علم آینده است و حدیث گذشته، درد شما را درمان است و شیوه، سامان دادن کارتان در آن است». و بدانید که کسی با قرآن است نیازمند و محتاج نخواهد بود... قرآن شفای بزرگترین بیماری ها یعنی کفر و دورویی و بیراهه شدن و گمراهی است». (همچنین) «آخبار مربوطه به پیشینیان و آیندگان و آئین چگونه زیستن را در قرآن می یابید.»

سرورم! وضع عبادت و پرستش خداوند در جهان امروز نابسامان و آشفته است. اصلاً آدمی نمی داند چگونه عبادت می کنند و به چه چیز باور و ایمان دارند؟

«گروهی از مردم خدا را به امید بخشش می پرستند که این پرستش بازرگانان است و گروهی او را از روی ترس، عبادت می کنند و این عبادت بردگان است و گروهی وی را برای سپاس می پرستند، و این پرستش آزادگان است.»

تفاوت میان عاقل و احمق چیست؟

«زبان خردمند در پس دل اوست و دل نادان پس زبان او.»

شخص احمق و نادان معمولاً به دنبال چیست؟

«ومی خواهد که تو را سود رساند لیکن زیانت گرداند.»

شخص خسیس و بخیل چگونه است؟

«او آنچه را سخت بدان نیازمندی از تو دریغ دارد.»

فاجر و تبهکار چگونه است؟

«رو تو را به اندک بهایی بفروشد»

دروغگو چگونه است؟

«او بر سسرایی می ماند که دور را به تو نزدیک و نزدیک را به تو دور نماید.»

آیا قضاوت در مورد آنچه در باطن دیگران است دشوار نیست؟

«هیچ کس چیزی را در دل نپنهان نمی کند مگر آنکه در سخنان بی اندیشه اش آشکار شود و در صفحه رخسارش پدیدار.»

ای امیرمومنان! در چنین شرایط دشواری، چگونه با مردم معاشرت کنیم؟

«با مردم چنان بیامیزید که اگر مردید بر شما بگریند و اگر زنده ماندید بر شما مهربانی کنند». مبادا که میان تو و مردم پیغام رسانی جز زبانت و پرده دار و دریائی جز چهره ات باشد». (تسا نیازمندان بتوانند مستقیماً با تو به گفتگو و عرض حاجت بپردازند و بدون مانع تو را ببینند و ملاقات کنند).

«هرکس زبانش را بر خود فرمانروا سازد، خود را بی ارزش کند.»

برخورد ما با دشمنانمان چگونه باشد؟

«اگر بر دشمنت دست یافتی به شکرانه پیروزی بر وی، او را ببخشی.»

آیا حاکم می تواند با زیردستان و مردم مشورت کند؟

«هر که خود را باشد به هلاکت رسد و هر که با مردمان مشورت کند خود را در خرد آنان شریک سازد.» «کسی که نظرات مختلف را بشنود درست را از خطا باز شناسد.»

امام عزیز! ظلم و ستم به صورت یکی از نشانه های امت اسلام در آمده است. آیا این ظلم را پائینی نیست؟

«ستم بر سه گونه است: آنکه آموزدنی نیست (مانند شرک به خدا) و آنکه بازخواست کردنی نیست (مانند ستم شخص بر خویشتن) و آنکه واگذشتنی و قابل اغماض نیست (مانند ستم بندگان بر یکدیگر) روز ستم دیده بر ستمکاران سخت تر از روز ستمکار بر ستم کشیده.»

اما سلاطین و حاکمان عصر حاضر از اجرای عدالت به تنگ می آیند.

«آنکه عدالت را برنتابد، ستم را سخت تر یابد.»

ای امیرالمومنین از نظر شما ویژگی های حاکمان و فرمانروایان چیست؟

«سزاور نیست که افراد خسیس، نادان، ستمکار، بی عدالت و رشوه ستان، رهبری و امامت مردم را عهده دار شوند که خسیس، در اموال آنان حریص گردد و نادان به نادانی خویش، مسلمانان را به گمراهی برد و ستمکار با ستمگری، عطای آنان را قطع کند و بی عدالت، در تقسیم اموال به عده ای بیخشد و عده ای را محروم سازد و آنکه در حکم کردن رشوه ستاند حقوق مردم را پایمال کند و آن را چنانچه باید به حق دار نرساند.»

چه رابطه ای میان علم و ثروت وجود دارد و تفاوت آنها چیست؟

«دانش بهتر از مال و ثروت است که دانش تو را نگهبان باشد و تو ثروت را پاسبان. ثروت با هزینه کردن

در عصر تاریک و ظلمانی بشریت بر آن شدیم بسان فریادی در سکوت، جرقه ای در ظلمت و امیدی در سیاهی های یأس، مصاحبه ای داشته باشیم با پیشوای بزرگ آزادخواهان و عدالت جویان و مولای همواره جاوید مومنان حضرت علی علیه السلام.

مولای من ای، امیرمومنان! در عصری که در آن به سر می بریم، سرکشی و طغیان انسان های متمدن علیه پروردگارشان روز به روز افزایش یافته و کبر و غرور و تفاخر و برتری جویی بر سایر همعوانان، آنان را به کلی از ارزش های معنوی دور ساخته است. شما چه صحبتی با اینگونه انسانها دارید؟

«اینگونه انسانها مگر پیام قرآن را نشنیده اند که می گوید: «ای انسان چه باعث شد که به خدای کریم بزرگوار مغرور گشتی؟» «فرزند آدم را ناز و تفاخر چه کار؟ که آغازش نطفه ای بی ارزش بوده و پایانش مرداری گندیده، نه خود را روزی می دهد نه می تواند مرگش را بازگرداند». «بینوا فرزند آدم! مرگش پوشیده است و بیماریش پنهان و کردارش (از قبل) نگاشته شده است پشه ای او را آزار دهد و جرحه ای گلوگیر، او را بکشد و بوی عرق، بدبوی سازد.»

ای امیرالمومنین! چگونه انسان با ابزار حکومت و سلطان حاکم برخورد کند؟ حال آنکه می دانیم وضعیت کنونی اعراب و مسلمانان ناتوان فلج است؟

«آنجا که گفتن یابد، خاموشی نشاید و آنجا که ندانند، بهتر که خاموش مانند.»

مناظره مکتوب

دانشجویان: یونس مشرقی و حامد ساعدی
در این ستون مطالبی را که توسط یکی از دانشجویان محترم ارائه و توسط دانشجوی محترم دیگر نقد و بررسی می شود، به چاپ می رسانیم. در صورت تمایل به همکاری و ارائه مطلب با دفتر نشریه تماس بگیرید. لطفاً بعد از خواندن به متن امتیاز دهید. و امتیازتان را به سامانه پیامکی نشریه ارسال نموده و در قرعه کشی شرکت نمایید.

اخلاقیات، گمشده ی جامعه ی ایران

نگاه به آنچه که هست، دیدگاه واقع بینانه ایی را در حوزه ی اخلاق نمایان می سازد؛ اما رویکرد آن چه باید باشد فقط تفسیر کننده ی بسیاری از حقایق است. یک نگاه واقع بینانه به جامعه ی کنونی ایران، به خوبی می تواند نسبت میان آن چه باید باشد و آنچه هست را آشکار سازد. این موضوع چندان نیازی به خطابه های پرطمطراق نداشته و ندارد؛ اما بررسی علل مهم آن، نیاز به رویکردی متفاوت دارد. متأسفانه در راستای بررسی علل این موضوع آنچه بیش از همه مورد توجه قرار گرفته و به عنوان یکی از علت های اصلی بررسی شده، فرهنگ مدرن غرب و نفوذ گسترده ی آن به جامعه ی ایران می باشد. اما آنچه که در جامعه ی ایران هستی و وجود دارد ساخته ی افراد آن جامعه در هر طبقه و قشری می باشد و نظر انداختن به بیرون از این محیط برای یافتن علت یکسری از واقعیت ها، چشم انداز منطقی و درست را در این رابطه، به بیراهه خواهد کشاند.

سوال مهم و اساسی این است که یک جامعه ی به ظاهر مذهبی مثل ایران، چگونه به این نقطه می رسد که در آستانه ی فروپاشی اخلاقی قرار می گیرد؟ پاسخ به این سوال با یک نگاه واقع بینانه بدون از تعصب، می تواند سرچشمه های اصلی را مشخص کند و به آسیب شناسی در این رابطه بپردازد. این مطلب را می توان در دو سطح مورد کنکاش قرار داد؛ ابتدا سیاستمداران و سپس مردم. زمانی که در یک جامعه سیاستمداران و یا دولتمردان در راستای رسیدن به اهداف سیاسی، منافع فردی و حزبی، اخلاقیات یک جامعه را نادیده می انگارند و یا از آن پلی برای رسیدن به اهداف خود می سازند قاعدتاً این نوع عملکرد تاثیر کلان و ویژه ایی بر روی اخلاق جامعه و نگرش مردم خواهد گذاشت. انکار این مسئله، به راستی فقط نادیده انگاشتن واقعیت می باشد؛ اگر چنین

رفتاری در حوزه ی سیاست، در یک نظام سکولار اتفاق افتد، بازخورد آن بسیار اندک خواهد بود اما در جامعه ی ایران که یک نظام مبتنی بر قوانین اسلامی بر آن حاکم می باشد این مسئله نه تنها بر عملکرد مردم و اخلاق آن ها تاثیر منفی خواهد گذاشت، از طرفی پایه های دین را در جامعه دچار سستی و رخوت خواهد کرد. این در حالی است که همین مقدار از انتقاد را سیاستون جامعه ی ما نخواهند پذیرفت و با رسانه های تبلیغاتی که در اختیار دارند بیشتر تلاش می کنند تا توپ را به زمین حریف بیندازند. بدون شک در این رابطه فرهنگ مدرن غرب، تاثیر گذار بوده ولی به اندازه ایی که مطلب فوق بتواند چالش های اساسی را به وجود آورد، نبوده است.

نکته ی جالب توجه این که، سیاستون جامعه ی ایران با توجه به چنین عملکردی یک نگاه اخلاقی کل گرایانه نسبت به جامعه ی خویش دارند و برای کاربرد هر چه بیشتر مفاهیم دینی، تلاش های بسیاری را انجام می دهند و هزینه های کلانی را صرف این موضوع می کنند؛ اما مگر می شود با دست های آلوده، به فکر اصلاح جامعه در این حوزه نیز بود. قاعدتاً چنین عملکردی بدون شک عقیم بوده و راه به جایی نخواهد برد.

آنچه در جامعه ی ایران در حوزه ی اخلاق رخ داده را تماماً نمی توان بر دوش سیاستمداران انداخت و این گونه نگرش، می تواند تا حدود زیادی سیاست زده باشد؛ پرداختن به ایراداتی که بر مردم و رفتار آن ها وجود دارد رویکرد دیگر این نوشتار می باشد. عدم تفکیک میان رفتار سیاستمداران با آن چه اخلاق اسلامی بیان



می دارد به یک معضل اساسی در نگرش مردم تبدیل شده که بسیار عوامانه است. میان آنچه سیاستمداران در رفتارشان بروز پیدا می نماید با آنچه بایدها و نیایدهای دینی عنوان می کند تفاوت های آشکاری وجود دارد و الگو قرار دادن رفتار آن ها به مثابه یک اخلاق دینی، بسیار جاهلانه می باشد.

مسئله ی مهم دیگر، تقلید از ظواهر فرهنگ غربی در بسیاری از موارد در جامعه ی ایران، بیش از اندازه اشاعه پیدا نموده که تاثیرات خاص خودش را گذاشته است؛ این نگاه ساده انگارانه نسبت به این نوع فرهنگ، برخاسته از یک تفکر سطحی است که مشکلات بسیاری را بر جامعه تحمیل نموده؛ در این رابطه می توان به درستی سطح آگاهی جامعه و مردم آن را مورد ارزیابی قرار داد.

یونس مشرقی، ارشد فلسفه

نگاه ژورنالیستی نه علمی

در اینکه ما باید نگاه واقع بینانه ای داشته باشیم امر درستی است اما لازمه آن داشتن باید برای تفسیر آن هست ها باشد. در نگاه به جامعه ایران به گونه که هست و چگونه باید باشد اگر نگاه صرفوضدی داشته باشیم امری است غیر علمی چرا که ما باید به سمت آن گونه که شایسته آن هستیم حرکت کنیم. خوب بود که نویسنده محترم اول تعریفی از اخلاق ارائه میدادند و بعد به علل به اصطلاح نبودان

امام عزیز! آیا با دشمنان خود مصالحه کنیم؟

«از صلیحی که دشمن تو را بدان فراخواند رضای خدا در آن باشد روی مگردان که آتشی موجب آسایش سربازانت شود و از اندوه حیات برهاند و شهرهایت ایمن ماند. لیکن زنهرا! زنهرا! از دشمن خود پس از آتشی که بسا به تو نزدیک شود و تو را غافلگیر کند. پس دور اندیشی پیشه کن و زیاد خوش گمان مباش!»

نظرتان در مورد حق و باطل چیست؟

«هر که در باطلی وارد شود دو گناه بر گرده او باشد گناه کردار و گناه خشنودی به آن کار آنکه باحق درآویخت خون خود را ریخت.»

رفتارهای اجتماعی یک مسلمان چگونه باید باشد؟

«بترس از کاری که در نپهان انجام دهند و در میان از آن خجلت برند و بپرهیز از کاری که چون از کننده آن بپرسند آن را انکار کند یا عذرخواهی نماید. آنکه به کار کسسانی خشنود باشد گویا که در کار آنان شریک بوده است.»

در چنین شرایطی که در آن به سر می بریم چگونه با زندگی و مشکلات برخورد کنیم؟

هیچ چیز نیست جز آنکه دارنده اش از آن سیر شود و از داشتن آن ملول گردد. مگر زندگی که هیچ چیز را بر آن ترجیح ندهد چرا که در مرگ، آسایش و راحتی نمی بیند.

اما در مورد روزگار چگونه با آن برخورد کنیم؟

روزگار دو روز است روزی به نفع تو و روزی به زیان تو در روزی که به نفع توست سرکشی مکن و در روزی که به زیان توست تن به شکیبایی ده.»

در چنین روزگاری چگونه تهمت را از خود دور سازیم؟

آنکه خود را در جاهایکه موجب بدگمانی است قرار دهد آن را که گمان بد به او برد سرزنش مکند.

چگونه از عادت اسرار بر جهل پرهیز کنیم؟

هر که از روی نادانی خصومت ورزد از دیدن حق کو شود.

آیا چنین عادتی منجر به از دست دادن دوستان نخواهد شد؟

ناتوان ترین مردم کسی است که از بدست آوردن دوستان عاجز باشد و ناتوان تر از او کسی است که دوستی به دست آید و سپس او را ضایع گرداند. اما به خاطر داشته باش که دشمن دوست را دوست مگیر تا دوست را دشمن نباشی.

در همه این موارد، آیا جای امیدواری وجود دارد؟

آنکه بر لب جوی نشسته است، از بیم تشنگی رسته آنکه حق را شناخته از باطل بیم ندارد.

سرور و مولای من ای امیرالمومنین! در پایان برای حسن ختام اگر صحبتی و یا پیامی دارید بفرمایید؟

ما اکثر العبر و اقل الاعتب! پندها چه بسیار است و پند گرفتن چه اندک!

تیهبه و تنظیم: سوسن کوهی نژاد، ارشد تعلیم و تربیت

میپرداختند. چرا که اخلاق تعریف متعددی در بین مکاتب دارد. در بررسی علل، نویسنده محترم از مورد توجه قرار گرفتن نفوذ فرهنگ غربی به عنوان علت اصلی با تأسف یاد کرده و علت اصلی بی اخلاقی را متوجه افراد جامعه دانسته سوالی که مطرح است این است که آیا فرهنگ غربی که مبتنی بر چنین انسان شناسی است که از بزرگان فلاسفه غربی از انسان به عنوان گرگ انسان دیگر یاد کرده اند. (هابز) و دیگر فیلسوفان غربی انسان را حیوانی معرفی کرده اند که با دیگر حیوانات تفاوتی ندارد و پدر اقتصاد کلاسیک لیبرالیستی آدم اسمیت که مبنای این اخلاق از اقتصاد تعریف کرده که در آنجا دیگر جایی برای انسانیت نیست و تا بحث های جامعه شناختی که قابل بر تفکیک دین از زندگی است باز می توان فرهنگ غربی که هم از طریق رسانه ها هم از طریق آموزش آکادمیک دانشگاهی در ذهن ما است نادیده گرفت و برایش تأسف می خورد که علت اصلی نیست و اگر نیست پس چیست؟

سوال بعدی اینکه آیا آمارهای که سازمان ملل و مجامع حقوق بشری و حتی یاپ راجع به فروپاشیدگی خانواده تا آزارو اذیت جسمی و جنسی و خشونت و زندانهای دولتی مخفی تا قتل و تجاوز و... که اعلام میکنند که در این ترنت هم به فارسی وهم انگلیسی قابل رویت است باز فرهنگ غربی را که از طریق رسانه ها و متون درسی قابل مشاهده است تاثیر گذار نمی دانید؟

سوال سوم این است که جامعه ای که ساخته افرادش است آیا آن انسانها در خلاء هستند و تاثیر پذیر نیستند؟ و اما در سوال مهمی که مطرح کرده اند که جامعه ایران در آستانه فروپاشی اخلاقی است در مقایسه با چه چیز و کجا؟ آمارهای رسمی را مقایسه کنید لطفاً.

و سوال بعدی آیا ما جامعه مذهبی داریم؟ و آیا مشکل از مذهب و دین است و یا مشکل از عمل نکردن به آنها؟

آیا دین اسلام چیزی غیر از اخلاق و انسانیت گفته است؟ اما در بحث فرهنگ که نویسنده محترم آن را باموضوع اخلاق خلط کرده است البته باهم ارتباط دارند اما یک موضوع واحد نیستند اما بنده هم با نویسنده محترم موافقم که اخلاق حاکمان بر رفتار مردم تاثیر مستقیم دارد و مصداق آن روایت از معصوم است که الناس علی دین ملوکهم.

اما راهکاری که بنده پیشنهاد میکنم تولید علم در پارادایم فکر دینی در تمامی موضوعات علوم اجتماعی بایست پذیرد و همه دانشگاهیان و حوزویان در امر بایستی مشارکت کنند و در حوزه سیاست و طرح کلان کشور نیازمند یک طرح جامع و یک نقشه راه و عمل به آن توسط هر منتخب مردم باشیم.

حامد ساعدی، ارشد علوم اجتماعی

